

شرطیت فحص در تخییر عقلی و برائت عقلی

□ محمد جاوید نظری *

چکیده

اجرای تخییر عقلی و برائت عقلی در شبهات حکمیة بالاتفاق مشروط به فحص است چرا که احراز عدم وجود مزیت در یکی از دو محذور و یا عدم وجود بیان بر تکلیف، با فحص و جستجو حاصل می شود. و اما در مورد شبهات موضوعیة غالب اصولیون معتقدند که جریان اصل تخییر یا برائت عقلی مشروط به فحص نیست لکن عده ای از محققان، کلیت این دیدگاه را قبول نداشته و نسبت به برخی از موضوعات معتقد به لزوم فحص می باشند.

واژگان کلیدی: شرطیت، فحص، تخییر عقلی و برائت عقلی.

مقدمه

پشتوانه اصول عملیه عقلیه، عقل می باشد. یعنی عقل بدون اینکه از جای دیگر کمک بگیرد مستقلاً به این اصول رسیده است. اگر در مورد حکم الزامی برای مکلف شکی حاصل شود و دلیلی بر آن نباشد این موهبت خدادادی بر عدم تکلیف او حکم می کند.

مسأله این مقاله آن است که اگر مکلف در مورد تکلیفی شک نمود و یا میان دو محذور (که اجمالاً به اصل الزام علم دارد اما نوع تکلیف، مجهول است) برای او شبهه ایجاد شد، آیا در حکم عقل به برائت یا تخییر عقلی، فحوص از تکلیف واقعی در شبهه بدویه یا فحوص از مزیت در دوران امر بین محذورین شرط است یا نه؟

در ادامه طی دو گفتار به این مهم خواهیم پرداخت. ان شاء الله

گفتار اول: شرطیت فحوص در اجرای تخییر

اجرای تخییر عقلی بنابر دیدگاه برخی از اصولیون، در یکی از دو مورد زیر است:

(۱) در جایی که مکلف علم دارد که الزامی از جانب مولا متوجه او گردیده است، اما شك دارد که آیا الزام در فعل است یا ترك، مانند اینکه می داند در ظهر جمعه، تکلیفی متوجه او است، اما شك دارد که آن تکلیف، وجوب نماز جمعه است یا حرمت آن؛

(۲) در جایی که دو فعل وجود دارد و مکلف علم دارد یکی از آن دو واجب و دیگری حرام است، اما نمی داند وجوب، به کدام يك و حرمت، به کدام يك تعلق گرفته است. (مرکز اطلاعات و مدارك اسلامي، فرهنگ نامه اصول فقه، ص ۲۰۷).

تذکر:

مرحوم خوئی فرموده اند؛ دوران امر بین محذورین در سه مقام است.

إذا عرفت محل النزاع فنقول: إنَّ تحقيق الحال في دوران الأمر بين المحذورين يقتضي التكلم في مقامات ثلاثة: المقام الأول: دوران الأمر بين المحذورين في التوصلات مع وحدة الواقعة. المقام الثاني: دوران الأمر بين المحذورين في التعبدات، بمعنى أن يكون أحد الحكمين أو كلاهما تعبدياً مع وحدة الواقعة. وإن شئت فعبر عن المقام الأول بدوران الأمر بين المحذورين مع عدم إمكان المخالفة القطعية، وعن المقام الثاني بدوران الأمر بين المحذورين مع إمكانها على ما سيوضح

قرباً إن شاء الله تعالى. المقام الثالث: دوران الأمر بين المحذورين مع تعدد الواقعة، بلا فرق بين التعبديات و التوصليات في ذلك.

دو مقام اول در حقیقت به یک مقام برمی گردد که عبارت از دوران امر بین محذورین مع وحدة الواقعة است.

با وجود این که ممکن است یک عالم اصولی در هر کدام از این سه مقام، نظری متفاوت با نظر اصولی دیگر داشته باشد و ممکن است حتی تخییر را در هیچ مقامی نپذیرد اما همه این ها در روند این مقاله تاثیری ندارد. چرا که بحث شرطیت یا عدم شرطیت فحص در تخییر عقلی متفرع بر این فرض است که دوران امر بین محذورین یا حداقل برخی مقامات آن مجرای تخییر است. طبعاً اگر کسی به تخییر قائل نشد از این حیث بحث لزوم و عدم فحص هم پیش نمی آید.

دیدگاه ها در مورد حکم دوران امر بین محذورین:

مرحوم آخوند خراسانی برای حکم دوران امر بین محذورین پنج وجه را در توصیليات و با نیز در تعبدیات (البته با اندک تفاوتی) در ذکر کرده و خود ایشان از میان این پنج صورت، صورت تخییر عقلی و برائت شرعی را انتخاب نمودند (الآخوند محمد کاظم الخراسانی، کفایة الأصول، ج ۳، ص ۸۱ و ۹۰)

از میان این پنج دیدگاه، اگر تخییر عقلی را پذیرفتیم بحث شرطیت فحص پیش می آید. اما اگر همچون شیخ اعظم مبنای دیگری را انتخاب کردیم در این صورت آن مبنا فروعاً مخصوص به خود را خواهد داشت. چرا که ایشان تخییر را نپذیرفته و به توقف قائل شدند

انصاف این است که ادله اباحه در محتمل الحرمة به سوی موردی انصراف دارد که در آن احتمال حرمت و غیر وجوب داده می شود (نه احتمال حرمت و وجوب تا نتیجه آن تخییر عقلی یا شرعی باشد) و ادله نفی کننده تکلیف از موردی که نوع تکلیف در آن معلوم نیست تنها بر عدم مؤاخذه بر ترک و انجام فعل و عدم تعیین حرمت یا وجوب دلالت دارد. و این مقدار با وجوب اخذ یکی از دو طرف منافات ندارد. اما همین اخذ باحدهما نیازمند دلیل است (چرا که حکم بدون دلیل تشریح است و تشریح جایز نیست) و دلیل بر وجوب وجود ندارد. پس لازم است که مکلف توقف کند و تنها به حکم واقعی التزام قلبی داشته باشد. (این در مقام التزام بود و اما در مقام عمل) به حکم عقل

در فعل و ترک حرجی نیست (الأنصاری، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۱۸۵) چرا که حکمی به مکلف نرسیده پس او در فعل و ترک آزاد است (الحسینی الشیرازی، الوصائل الرسائل، ج ۸، ص ۱۸۰)

مبحث اول: شرطیت فحص در مورد شبهه حکمیه

به نظر می رسد آن دسته از اصولیون که در دوران امر بین محذروین در شبهه حکمیه اجرای تخییر عقلی را انتخاب کردند، فحص از مرجح و مزیت را شرط به کار گیری آن می دانند. و به عبارت دیگر مجرای تخییر بعد از فحص تحقق پیدا می کند. در ادامه به نقل اقوال هر یک از علمای اصول پرداخته خواهد شد.

الف: اقوال

۱. آخوند خراسانی :

فحص در مورد تخییر عقلی همچون برائت عقلی واجب است. (الآخوند الخراسانی، کفایة الاصول، ج ۲، ص ۱۸۷)

۲. آقا ضیاءالدین عراقی:

در جریان اصل برائت، بلکه مطلق اصول (عملیه) نافیه تکلیف در شبهات حکمیه، فحص کردن به مقدار متعارف شرط است. آن مقداری که مورد شبهه را از معرضیت و مظان وجود دلیل بر حکم کلی الهی (در این مورد) خارج می کند. (العراقی، مقالات الاصول، ج ۲، ص ۲۸۷)

مرحوم آقا ضیاء الدین عراقی با عبارت (يعتبر في جريان البراءة بل مطلق الاصول النافية...) فحص را در همه اصول عملیه نافیه تکلیف شرط می داند که در نتیجه اصل تخییر و نیز استصحاب عدم جعل هم جزء آن است.

۳. مرحوم خوئی:

و همچنین (از دلیل بیان شده برای برائت عقلی) آشکار گشت که قبل از انجام فحص، مراجعه به سایر اصول عقلیه مثل تخییر عقلی و مانند آن جایز نیست. (الخوئی، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۵۷۲)

۴. آیت الله سبحانی:

در دیدگاه ایشان نیز اجرای تخییر عقلی، عقلاً و نقلاً مشروط به فحص است که در ادامه، ادله مدعای موصوف آورده خواهد شد. (السبحانی، ارشاد العقول الی مباحث الأصول، ج ۳، ص ۶۴۳) در این اقوال، شرطیت فحص در تخییر به گونه صریح بیان شده است. اما با کمی دقت بیشتر ممکن است حتی از عموم استدلال‌هایی که برخی از اصولیون برای شرطیت فحص در برائت اقامه کرده اند نیز بتوانیم شرطیت فحص در تخییر عقلی را به دست آوریم (رک: المیرزا النائینی، اجود التقريرات، ج ۳، ص ۵۵۶) در گفتارهای بعدی این نوع از استدلال‌ها نقل خواهد شد. ان شاء الله

ب: ادله

رویه بیان اقوال و ادله، در طول تحقیق حاضر این است که در بخش (الف) اقوال و در بخش (ب) ادله علماء بیان می شود.

۱. آخوند خراسانی:

حکم عقل به قبح عقاب بلا بیان در جایی است که مکلف نسبت به تکلیف واقعی فحص کند و این فحص هم به مقداری باشد که او را به یأس دلیل واقعی برساند و الا به صرف نبودن دلیل و بدون فحص و یأس عقل هیچ گاه به قبح عقاب بلا بیان حکم نمی کند (الآخوند الخراسانی، کفایة الاصول، ج ۲، ص ۱۴۰ و ۱۸۵)

بعد از فحص و عدم یافتن مزیت یکی از دو طرف است که مجرای تخییر محقق می شود و بعد از این است که قبح عقاب بلا بیان معنا پیدا می کند. به بیان دیگر اگر مکلف بدون فحص و جستجو، یکی از محذورین را به کمک اصل تخییر انتخاب کند و اگر بر فرض در منابع احکام، دلیلی بر مزیت احدهما موجود باشد و انتخاب او هم مخالف واقع بوده در این صورت قبح عقاب بلا بیان توانایی دفاع از این نوع اجرای تخییر را ندارد. چون کارایی این قاعده در جایی است که مکلف در مظان بیان (یعنی آن جا که متعارف است شارع تکلیف را بیان کند) جستجو کرده و لکن به چیزی که معین احدهما باشد نرسیده است. اما وقتی که او از منابع احکام که مظان بیان است چشم بسته باشد و اتفاقاً دلیل هم مخالف تخییر بوده عقل نمی تواند بر قبح چنین عقابی حکم کند.

اشکال:

اگر اشکال شود که این ادله را مرحوم آخوند برای شرطیت فحص در اجرای برائت عقلی آورده شما به جهتی آن را برای اعتبار فحص در تخییر عقلی هم می آورید؟
در جواب گفته خواهد شد که مرحوم آخوند خراسانی بعد از بیان اعتبار لزوم فحص در مورد تخییر عقلی عبارت بعین ما ذکر فی البرائة... (همان) را می آورد. یعنی فحص در تخییر عقلی واجب است به همان دلیلی که در برائت عقلی گفته شد و به عبارت دیگر نیازی به تکرار نیست.

۲. مرحوم خوئی:

مرحوم خوئی در مصباح الاصول برای شرطیت فحص در برائت عقلی و تخییر عقلی و هر اصل عقلی دیگر که مستند آن قاعده قبح عقاب بلا بیان است، این قاعده را تحلیل و در نتیجه اثبات نمودند که بدون فحص و بررسی از تکلیف واقعی، اجرای اصول عقلیه جایز نیست.
و خلاصه کلام این است که اصول عقلیه به خودی خود توانایی این را ندارد که شامل قبل از فحص نیز بشود چرا که موضوع اصول عقلیه عدم البیان است و عدم البیان منحصر با فحص (و نیافتن) احراز می شود. در نتیجه قبل از فحص از دلیل حکم واقعی هیچ اقتضائی برای عمل به اصول عقلیه وجود ندارد.. (الخوئی، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۵۷۲)

۳. آیت الله سبحانی:

موصوف دو دلیل برای لزوم فحص در مورد تخییر ذکر می کنند
(۱) تخییر یک اصل عقلی برای متحیر است (یعنی) کسی که هیچ راه و حيله ای برای رهایی از تحیر ندارد. و عقل برای کسی که برای رفع تحیر حيله و چاره دارد به تخییر ح کم نمی کند
(۲) علاوه بر این که ادله لزوم سوال و تعلم شامل این موارد هم می شود. (السبحانی، ارشاد العقول، ج ۳، ص ۶۴۳)
مراد ایشان از حيله در دلیل اول همان فحص و استعمال است یعنی وقتی مکلف می تواند با روش فحص ادله احکام از تحیر خارج شود عقل برای او به تخییر بین محذورین حکم نمی کند.
موصوف در کتال المبسوط خویش علاوه بر این دو دلیل، سیره علما را نیز ذکر می کنند که به نظر می -رسد به عنوان شاهد آورده باشند.

و بر این [لازم دانستن فحص قبل از عمل به تخییر و استصحاب] سیره علماء مستقر شده...
(السیحانی، المبسوط فی اصول الفقه، ج ۳، ص ۶۶۴)

مبحث دوم: شرطیت فحص در مورد شبهه موضوعیه

آنچه که در این مبحث به آن پرداخته می شود عبارت از شرطیت یا عدم شرطیت فحص در صورت اجرای تخییر عقلی در شبهه موضوعیه است. سوال این است همان طور که در شبهه حکمیه، عقل در صورتی به تخییر حکم می کند که قبل از آن مکلف نسبت به دلیل تکلیف واقعی فحص کرده باشد، آیا در این جا هم فحص و بررسی را شرط تخییر می داند یا نه؟
نمی توان ادعا کرد که دیدگاه همه علماء در لزوم یا عدم لزوم فحص در شبهات موضوعیه یکی است. عده ای از آنان مطلقاً به عدم لزوم فحص معتقد هستند و برخی دیگر در شبهات موضوعیه میان موضوعات تفصیلاتی را در نظر گرفتند. به نظر این گروه یک دست انگاشتن موضوعات و بار کردن یک حکم بر آن صحیح نیست بلکه شبهات موضوعیه نسبت به موضوعات شان متفاوت اند که در برخی از این موضوعات اجرای اصول نافی تکلیف، بدون فحص و نظر صحیح نمی باشد.

الف: اقوال

عدم لزوم فحص

آیت الله خوئی:

و اما اجرای اصل در شبهات موضوعیه مشروط به فحص نیست بلکه رجوع به اصول عملیه در این موارد قبل از فحص نیز جایز است.... (الخوئی، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۵۹۰)
در مجموع عدم وجوب فحص در شبهات موضوعیه هیچ اشکالی ندارد و خلافی در آن نیست
(همان، ج ۲، ص ۵۹۱)

این کلام مرحوم خوئی همان طوری که از ظاهر آن پیدا است شامل اجرای همه اصول عملیه در شبهات موضوعیه (از جمله اصل تخییر عقلی) می شود.
تفصیل بین موضوعات:

آیت الله سبحانی:

به نظر می رسد ایشان اجرای بدون فحص اصل تخییر را در مورد شبهات موضوعیه در مواردی که کشف واقع و علم به آن آسان است جایز نمی داند که دلیل آن در بخش ادله خواهد آمد (السبحانی، ارشاد العقول الی مباحث الأصول، ج ۳، ص ۴۴۸)

ب: ادله

عدم لزوم فحص

چرا که ادله اصول عملیه در شبهات موضوعیه اطلاق دارد و هیچ یک از وجوهی که برای وجوب فحص در شبهات حکمیه گفته شد در این جا جاری نمی شود. و این علاوه بر برخی روایات خاص است که در موارد خاص وارد شده مثل صحیح زراره، در مورد استصحاب (که از آن روایت فهمیده می شود فحص نیاز نیست) (الخویی، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۵۹۰)

البته ایشان در ادامه بحث، دیدگاه جماعتی را نقل می کند که معتقدند فحص در برخی موضوعات که عادتاً رسیدن به حکم آن موضوعات، بر فحص متوقف می باشد واجب است. در این مورد مرحوم خوئی کبرای آنان را می پذیرد (کبری: وجوب الفحص فی بعض موارد الشبهات الموضوعیه مما کان العلم بالحکم فیه متوقفاً علی الفحص عادة) اما هیچ یک از امثله آنان را قابل این نمی داند که کبرای مذکور منطبق بر آن باشد. شاید بتوان ادعا کرد ایشان نیز کلیت قول به تفصیل را قبول دارند اما در تطبیق آن با مدعیان لزوم تفصیل بین موضوعات هم نظر نیستند

تفصیل بین موضوعات

شیخ جعفر سبحانی:

ایشان در مورد شرطیت فحص در اجرای برائت استدلالی را بیان می کنند که به نظر میرسد این استدلال منحصر در برائت نیست و حداقل همه اصول نافی تکلیف را در بر می گیرد: با وجود همه این ها، ما به اجرای برائت (قبل از فحص) در مطلق شبهه موضوعیه بلکه در هر موردی که علم به واقع آسان باشد قائل نمی شویم، پس در این صورت دیدگاه حق وجوب فحص و توقف از اجرای برائت است. مثل مایعی که بین خمر بودن و سرکه بودن مردد است و می شود با

بوییدن و نظاره کردن پی به واقع برد. به همین جهت است که مشهور فقهاء در برخی از موارد شبهه موضوعیه به وجوب فحص فتوا داده اند. مانند شبهه در بلوغ مال زکوی در حد نصاب یا عدم بلوغ آن، یا شبهه نسبت به مستطیع شدن کاسب یا نشدن او (السبحانی، ارشاد العقول الی مباحث الأصول، ج ۳، ص ۴۴۸)

از عبارت ... بل فی کلّ مورد یسهل العلم بالواقع... (همان) می توان دریافت که اعتقاد ایشان در مورد لزوم فحص در شبهه موضوعیه شامل هر شبهه موضوعیه ای می شود که ملاک مذکور را داشته باشد یعنی سهل الوصول باشد. در این صورت اگر بدون فحص برائت یا تخییر را جاری کرد در صورت مخالفت عقاب مولا قبیح نیست.

در نظر مؤلف المسوط فی أصول الفقه، مراد از بیان در قاعده قبح عقاب بلا بیان حجت است و اگر شارع بدون داشتن حجت عبد خود را عقاب کند قبیح است. اگر مکلف با وجود سهل الوصول بودن واقع نسبت به موضوعات مشتبّه اقدام به فحص و استعلام نکند در این صورت مولا حجت دارد و می تواند مکلف را در صورت مخالفت با تکلیف واقعی بخاطر ارتکاب حرام عقاب کند چرا که با اندک فحوصی می توانست پی به واقع ببرد و مرتکب مخالفت با مولا نشود (السبحانی، المسبوط فی أصول الفقه، ج ۳، ص ۶۶۰)

گفتار دوم: شرطیت فحص در اجرای برائت عقلیه

برائت بر دو قسم است؛ برائت عقلی و برائت شرعی. و می دانیم که پشتوانه برائت عقلی حکم عقلی و مستند برائت شرعی ادله نقلی است. نتیجه هر دو آزاد بودن مکلف در انجام یا ترک فعل مشکوک الحکم است. در عین حال میان برائت شرعی و عقلی تفاوتی هم وجود دارد.

بیان تفاوت میان برائت شرعی و برائت عقلی

۱: ادله نقلی در ابتداء به رفع تکلیف، حکم می کند که ثمره طبیعی آن عدم عقاب مکلف خواهد بود چرا که بعد از این تکلیفی نیست تا عقابی بر آن مترتب گردد. اما در برائت عقلیه عقل به قبیح بودن عقاب بلا بیان حکم می کند و به ترخیص و برائت حکم نمی کند چرا که وظیفه عقل تنها ادراک است؛ او در اینجا درک کرده که اگر مولا عبد خود را بدون بیان تکلیف، عقاب کند این کار او قبیح است. البته می توان گفت وقتی عقل به قبح عقاب بلا بیان حکم کرد نتیجه آن جواز انجام یا

ترک مشکوک الحکم است. (رک نائینی، اجود التقریرات، ج ۳، ص ۲۹۹)

۲: در براءت عقلی قبل از فحص موضوعی برای اجرای این اصل عملی نیست. یعنی آن جا که عقل حکم می کند که عقاب بلا بیان قبیح است در جایی است که مکلف فحص کرده و مأیوس شده و به عدم البیان اطمینان پیدا کرده. در غیر این صورت با صرف این که حکم واقعی مجهول است موضوع برای عدم البیان محقق نیست. اما در مورد براءت شرعی که ادله آن نقلی است اختلاف است. برخی معتقدند ادله براءت اطلاق دارد و حتی صورت عدم العلم بدون فحص بدون فحص را نیز شامل می شود. یعنی اگر ادله دیگری که شرطیت فحص در اجرای براءت شرعی از آن استفاده می گردد نباشد با صرف جهل به حکم واقعی و بدون فحص، موضوع برای براءت شرعی موجود خواهد بود. و دیدگاه دیگر این است که اطلاق ادله براءت شرعی صورت ترک فحص را شامل نمی شود و در این صورت همچون براءت عقلی علاوه بر عدم جواز اجرای براءت شرعی، موضوع برای براءت هم وجود ندارد. (؟) آقا ضیاء...

در این قسمت از تحقیق، شرطیت فحص در براءت عقلیه را بررسی می کنیم و در فصل بعدی شرطیت فحص در براءت نقلیه مورد واکاوی قرار خواهد گرفت. ان شاء الله

مبحث اول: شرطیت فحص در مورد شبهه حکمیه

الف: اقوال

نظر اصولیون در مورد اجرای براءت عقلیه همچون تخییر عقلی شرطیت فحص است

۱. آخوند خراسانی:

اجرای براءت جایز نیست مگر بعد از فحص و [سپس] یأس از رسیدن به حجت شرعی بر تکلیف (الآخوند الخراسانی، کفایة الأصول، ج ۳، ص ۱۴۶)

۲. آقا ضیاءالدین عراقی:

فیمکن أن یقال أن مقتضی القاعدة هو اشتراط الفحص فیها، ... (العراقی، مقالات الاصول، ج ۳، ص ۴۶۸)

۳. مرحوم نائینی:

در این که (در اجرای برائت) در برخی شبهات موضوعیه فحص نیاز نیست و در همه شبهات حکمیه نیاز است شکی نیست (نائینی، اجود التقریرات، نائینی، ج ۳، ص ۵۵۶)

۴. محقق خویی ره:

از دیدگاه محقق خویی ره نیز در جریان برائت عقلیه فحص شرط است:
فلا ریب فی اعتبار الفحص فی جریانها (الخویی، مصباح الأصول، ج ۲، ص ۵۶۶)

۵. امام خمینی:

شرط جریان برائت عقلیه در شبهات حکمیه فحص است (الخمینی، تهذیب الاصول، ج ۳، ص ۴۲۵)

۶. آیت الله سبحانی:

اصولیین بر لزوم فحص در جریان برائت عقلیه و نقلیه اتفاق نظر دارند. (السبحانی، إرشاد العقول فی مباحث الأصول، ج ۳، ص ۶۳۶)

ب: أدله

دلیل حجیت برائت عقلیه حکم عقل به قبح مؤاخذة و عقاب بلا بیان است و در صورت عدم فحص و جستجو حکمی برای عقل نیست. زیرا بیان شد که موضوع حکم عقل عدم البیان است و عدم البیان بعد از فحص و یأس حاصل می شود و حکم هم تابع موضوع است پس قبل از فحص، اجرای برائت عقلیه دلیلی ندارد.

۱. شیخ انصاری:

شیخ اعظم در فرائد الاصول برای لزوم فحص در برائت پنج دلیل آوردند که یک دلیل آن دلیل عقلی است.

عقل مکلف جاهل را در شبهه حکمیه که قادر بر استعلام است معذور نمی‌داند... (الأنصاری، فراند الاصول، ج ۲، ص ۴۱۳)

ایشان از میان ادله لزوم فحص، دلیل عقل را برای شرطیت فحص اولی می‌داند. آنجا که عقل، مکلف جاهل را معذور و عقاب او را قبیح می‌داند در جایی است که بر استعلام قدرت نداشته باشد. اگر استعلام برای او ممکن باشد عقل اجازه نمی‌دهد بدون آن برائت را به کار گیرد.

... دلیلی که برای لزوم فحص در شبهه حکمیه اولویت دارد آن است که در وجه چهارم ذکر شده، که عقل آن مکلف جاهلی را که قادر بر فحص است معذور نمی‌داند همان طور که در نزد عقل، جاهل به مکلف به که علم اجمالی به آن دارد معذور نیست. مناط عدم معذورت در هر دو مقام عبارت از عدم قبح مؤاخذه جاهل در این دو مقام است (همان، ج ۲، ص ۴۱۵)

لازم به ذکر است که شیخ اعظم شرطیت فحص در برائت شرعیه و برائت عقلیه را به طور جداگانه مورد بحث قرار نداده بلکه در متن ایشان عبارت برائت به گونه مطلق آمده است. اما این مشکلی را ایجاد نمی‌کند زیرا ادله ای را که برای لزوم فحص ذکر کردند ثابت کننده شرطیت فحص در هنگام اجرای برائت است و فرقی نمی‌کند که این برائت عقلی باشد یا شرعی. در این بین این قاعده قبح عقاب بلا بیان است که شرطیت فحص را تنها در صورت اجرای برائت عقلی ثابت می‌کند. محقق برای انتظام و ترتیب بهتر مطالب، تنها دلیل عقلی بر لزوم فحص را در بخش اصول عقلیه نافی تکلیف بیان خواهد کرد و سایر ادله بر لزوم فحص را در فصل بعدی ارائه می‌کند.

۲. آخوند خراسانی

حکم عقل به قبح عقاب بلا بیان در جایی است که مکلف نسبت به تکلیف واقعی فحص کند و این فحص هم به مقداری باشد که او را به یأس دلیل واقعی برساند و الا به صرف نبودن دلیل و بدون فحص و یأس عقل هیچ گاه به قبح عقاب بلا بیان حکم نمی‌کند (الخراسانی، کفایة الاصول، ج ۲، ص ۱۴۰ و ۱۸۵)

۳. آقا ضیاء الدین عراقی:

(لا بیان) که موضوع حکم عقل به قبح عقاب بلا بیان است عبارت از آن شک مستقروی و پایداری است که در معرض زائل شدن و از بین رفتن با فحص از ادله نیست. نه [این که لا بیان عبارت از]

مطلق جهل است. پس اگر احتمال بدهیم که شک با فحص و بررسی زائل می شود و می توان به واقع رسید در این صورت موضوع این قاعده مذکور احراز نمی شود (العراقی، نهاییه الأفكار، ج ۳، ص ۴۶۹)

۴. محقق نائینی:

مرحوم نائینی نیز در بیان تفاوت بین فحص از مخصص و فحص از احکام مولا در شبهه بدویه به شرطیت فحص در برائت عقلیه اشاره می کند که رجوع به برائت عقلیه تنها بعد از فحص و عدم ظفر جایز است. و آن چیزی که مجوز عمل به اصل می شود عدم بیانی است که بعد از فحص حاصل می گردد.

چرا که اگر عبد به انجام وظیفه خود یعنی فحص از احکام مولا اقدام نکند در حالی که احتمال دارد مولا به وظیفه خود یعنی بیان احکام مرتبط به عبد - تا جایی که اگر عبد فحص کند به آن می رسد - قیام کرده، عقل به دلیل مخالفت با تکلیف مجهول بر قبح عقاب حکم نمی کند. ... (النائینی، اجود التقریرات، ج ۲، ص ۳۵۱)

میرزای نائینی در مبحث شرایط الاصول نیز این مطلب را به بیان دیگر برای شرطیت فحص در برائت عقلیه در شبهه حکمیه ذکر کرده است. با وجود این که در آن بحث مثل این جا بیان قبلی میان برائت عقلی و شرعی تفصیل نداده اما از دلالت کلام و نوع استدلال ایشان به دست می آید که این استدلال برای لزوم فحص در برائت عقلیه است. چرا که به حکم عقل بر لزوم بیان تکلیف از طرف مولا و لزوم فحص از طرف عبد اگر مولا در صورت فحص عبد و عدم ظفر او و مخالفت با تکلیف واقعی او را عقاب کند در حق او ظلم کرده [قبح عقاب بلا بیان] و اگر عبد نیز بعد از التفات به رابطه عبودیت و مولویت در جستجوی احکام مولای خود نباشد در حق او ظلم روا داشته است.

... به حکم عقل وظیفه ربوبیت مقتضی این است که خداوند احکام را تشریح و نیز به گونه ای بیان کند که اگر عبد تفحص کند حتما به آن می رسد. و عبد حق ندارد بیش از این از خداوند مطالبه کند کما این که به حکم عقل مقتضای وظیفه عبودیت و بندگی نیز در مورد آن دسته از احکام مولا که ممکن الوصول می باشد این است که عبد آن را فحص و جستجو کند. پس همان طور که اگر مولا عبد خود را بعد از فحص و نرسیدن به حکم شرعی به خاطر مخالفت با تکالیف واقعی عقاب کند

این کار در حق عبد ظلم است، اگر عبد نیز بعد از این که نسبت به رابطه عبودیت و مولویت ملتفت شد اقدام به فحوص احکام مولای خود نکند در حق مولای خود ظلم کرده ... (النائینی، اجود التقریرات، ج ۳، ص ۵۵۶)

این استدلال و حکم عقل به لزوم فحوص از احکام مولا متفرع بر فرض مولویت و عبودیت است یعنی مولویت مولا و عبودیت عبد عقلاً مقتضی این است که مولا احکام را به گونه ای در دست رس قرار دهد که اگر عبد جستجو کند میابد و عبد هم باید جستجو کند. اگر جستجو کرد و حکم مولا را نیافت در آن صورت می تواند برائت جاری کند و عقاب در این صورت قبیح است.

۵. محقق خوئی

چرا که موضوع حکم عقل به قبح عقاب بلا بیان عدم البیان است (و عدم البیان در صورتی احراز می شود که فحوص و سپس یأس از دلیل صورت بگیرد) پس اگر عدم البیان با فحوص احراز نشد عقل نمی تواند به قبح عقاب حکم کند زیرا که مراد از بیان رساندن تکلیف به مکلف نیست بلکه همین که به شکل متعارف و عادی بیان شود و در مرأی و مسمع عبد قرار بگیرد که او بتواند به تکلیف برسد بیان محقق شده. پس اگر تکلیف از ناحیه مولا (به صورتی که گفته شد) بیان شده بود و عبد هم تفحص نکرد عقاب این عبد به خاطر مخالفت با تکلیف واقعی بیان شده از ناحیه مولا صحیح است و دیگر عقاب بلا بیان نخواهد بود (الواعظ، مصباح الأصول، ج ۲، ص ۵۶۶)

۶. امام خمینی:

به نظر می رسد امام بزرگوار، برای شرطیت فحوص در اجرای برائت عقلیه در شبهات حکمیه تنها دلیلی را که می پذیرند یک وجه از وجوه دلیل عقلی است که تقریر شده و در ادامه تقدیم می شود:

گرچه موضوع تام برای حکم عقل [یعنی قبح عقاب بلا بیان] عبارت از بیانی است که به مکلف رسیده باشد - چرا که صرف وجود بیان در واقع و بدون رسیدن به مکلف قبح عقاب بلا بیان را مرتفع نمی سازد- اما مراد از ایصال عبارت از آن ایصالی است که بین مولا و بندگان او و رئیس دولت و اتباع دولت متعارف است. یعنی مکلف باید به مواضعی که برای بیان قوانین و احکام در نظر گرفته شده رجوع کند. قوانین و احکامی که شارع آن را برای کسانی که باید تابع احکام باشند و به آن عمل

کنند جعل کرده است.

و این مواضع بیان، با توجه به اختلاف رسوم و عادات و امکانه و ازمنه، مختلف است. که در زمان ما عبارت از کتاب و زبیری؟؟ که حاوی بیان و امر و نهی مولا می باشد.

و همانا رویه خدای سبحان بر این جاری شده که احکام را بر نبی خود ابلاغ کند و نبی هم این احکام را به اوصیای خود رسانده و اوصیای او نیز به قدر توان خود آنچه را که باید می رسانند رسانند و گروه جلیله ای از اصحاب و ملازمین و کسانی که مخزن علوم و اسرار اهل بیت بودند آن را ضبط کردند. این کتب گرانسنگ و صحب مبارک از سلف به خلف منتقل شد تا که به ما رسید.

[حال که احکام مولا از این طریق متعارف به ما رسیده] پس واجب است که برای وقوف به وظایف خود به این کتب مراجعه کنیم. اگر فحص و بررسی را ترک کنیم در صورت ترک تکالیف معذور نخواهیم بود. در این صورت اگر مولا ما را عقاب کند عقاب او عقاب بلا بیان نخواهد بود. (الخمنی، تهذیب الاصول، ج ۳، ص ۴۲۵)

۷. آیت الله سبحانی:

علامه سبحانی به تبعیت از استاد خود یعنی امام عزیز می فرماید:

بیانی که رافع قبح عقاب بلا بیان است بیانی است که واصل الی المکلف باشد. البته واصل الی المکلف به این معنا است که بیان مولا در مظان بیان باشد به گونه ای اگر مکلف به آن مظان رجوع کند به تکلیف خود می رسد. این شیوه از بیان احکام بین سید و عبد او و نیز بین حکومت و مردم در رسیدن به تکالیف و وظایف خود در قبال مولا یا حکومت وجود دارد. پس وجود بیان در نزد راویان و حاملان علم و یا کتب و جوامع حدیثی که حاوی بیان شارع است برای صدق بیان واصل کافی است. (السبحانی، إرشاد العقول فی مباحث الأصول، ج ۳، ص ۶۳۶)

مبنای اجرای برائت عقلیه قبح عقاب بلا بیان است و عقل در صورتی به قبح عقاب حکم می کند که مکلف نسبت به تکلیف خود فحص و جستجو کرده و از رسیدن نا امید شده باشد و در غیر این صورت عقاب شدن او توسط مولا بنحاضر ترک الزام قبیح نخواهد بود. (السبحانی، المبسوط فی اصول الفقه، ج ۳، ص ۶۵۹)

... و آن چه که سیره عقلاء بر آن جاری شده در نزد شرع هم معتبر است. بنابر این شارع وظیفه

ندارد حکم شرعی را برای هر یک از مکلفین برساند. بلکه وجود حکم شرعی در مظان بیان و امکان واقف شدن مکلفین نسبت به آن کافی است به همین جهت بر مکلف واجب است تا به حکمی که به این صورت بیان شده رجوع کند (السبحانی، المبسوط فی أصول الفقه، ج ۳، ص ۶۵۹)

وقتی حکم شرعی در کتاب و سنت قرار داده شد شارع وظیفه عقلایی خود را به ثمر رسانده است. پس از این وظیفه مکلف است که در محدوده ای که مظان بیان است در جستجوی تکلیف باشد و اگر قبل از فحص برائت عقلی را جاری کرد نه تنها عقاب او توسط مولا قبیح نیست چرا که موضوع قبح عقاب بلا بیان در صورت عدم فحص محقق نمی شود بلکه عقلا نیز او را مذمت می کنند.

مبحث دوم: شرطیت فحص در مورد شبهه موضوعیه

كما إذا شكَّ في حرمة شرب مایع و إباحته للتردد في أنه خلَّ أو خمر، و في حرمة لحم للتردد بين كونه من الشاة أو من الأرنب (الأنصاری، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۱۱۹)

چند نکته:

نخست: تا جایی که محقق این رساله جستجو کرده و نیز به گواهی برخی از اساتید این فن (مثل آیت الله فاضل لنکرانی در سیری کامل در اصول فقه، ج ۱۳، ص ۴۰۵) اصولیون در مورد شرطیت فحص در اجرای اصول عملیه در شبهات موضوعیه به طور مفصل ورود نکرده اند بلکه هر یک بخشی یا موردی از شبهات موضوعیه را در آثار خود طرح و بررسی کرده اند. مثلاً شیخ اعظم مرتضی انصاری تنها به شرطیت فحص را در اجرای برائت پرداخته است (الأنصاری، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۴۱۱) و یا مرحوم نائینی شرطیت فحص در اجرای برائت شرعیه در شبهه وجوبیه را مورد بحث قرار داده است (النائینی، اجود التقریرات، ج ۳، ص ۵۵۶)

و یا امام بزرگوار، در تهذیب الاصول لزوم و شرطیت فحص در اعمال برائت عقلیه در شبهه موضوعیه را بررسی نموده اند (الخمينی، تهذیب الاصول، ج ۳، ص ۴۳۳) که در فصول مختلف این تحقیق به نمونه های دیگری از این قبیل رویه برمی خوریم

دوم: آیت الله خوئی به شرطیت فحص در اجرای برائت شرعیه در شبهه موضوعیه ورود

نمودند اما به شرطیت فحص در اجرای برائت عقلیه در شبهه موضوعیه اشاره نکردند. رک: آیت الله خوئی، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۵۶۶) برخی از عالمان اصول در مسأله شرطیت فحص در اجرای برائت عقلیه در شبهه موضوعیه از ابتداء ورود نکردند (و شاید دلیل عدم ورود آن ها همان باشد که آیت الله بروجردی معتقد بوده که برائت عقلیه شبهات موضوعیه را شامل نمی شود چرا که وظیفه شارع بیان موضوعات نیست. تنها وظیفه شارع بیان کبریات است و نسبت به صغریات وظیفه ندارد... (السبحانی، المبسوط، ج ۳، ص ۶۶۰) یعنی در شبهات موضوعیه به دلیلی که گفته شد از اساس جای بیان نیست تا ما بخواهیم قاعده قبح عقاب بلا بیان را در صورت عدم بیان جاری کنیم.

بحث لزوم و شرطیت فحص در جریان برائت عقلیه در شبهات موضوعیه متوقف بر این است که قائل شویم قاعده قبح عقاب بلا بیان منحصر به شبهات حکمیه نیست و برائت عقلیه به کمک این قاعده بر شبهات موضوعیه هم جاری می شود. اما اگر از اول بگوییم شبهات موضوعیه مجرای برائت عقلیه نیست در این صورت نوبت به لزوم یا عدم لزوم فحص نمی رسد، چرا که لزوم یا عدم لزوم فحص متفرع بر این مسأله است که شبهات موضوعیه مجرای برائت عقلیه است. پس بحث آتی بر مبنای جاری شدن برائت عقلیه در شبهات موضوعیه می باشد.

با توجه به نکته دوم؛ اگر در مورد ظرف آبی شبهه ایجاد شد که خمر است یا سرکه؛ تکلیف چیست؟ آیا مکلف می تواند بدون فحص، مایع داخل ظرف مذکور را بنوشد؟ و یا که برای اجرای برائت و نوشیدن مایع آن ظرف، فحص لازم است؟

"مشهور بین علماء این است که اجرای برائت عقلیه در صورت شک در شبهه موضوعیه مشروط به فحص نیست" (السبحانی، إرشاد العقول إلی مباحث الأصول، ج ۳، ص ۶۳۸)

اما عده ای هم بر این عقیده هستند که اجرای برائت در شبهه موضوعیه در برخی موارد لازم است و در برخی دیگر لازم نیست. پس به طور مطلق نمی توان گفت که در هیچ موردی اجرای برائت در شبهه موضوعیه مشروط به فحص نیست.

الف: اقوال

عدم لزوم فحص

در گفتار اول این فصل، اندیشه آیت الله خوئی نقل گردید که ایشان به نحوی قائل به عدم لزوم

فحص در موضوعات هستند.

اشترط الرجوع إلى الأصول العملية بالفحص مختص بالشبهات الحكمية، لاختصاص دليله بها. و أمّا الشبهات الموضوعية، فلا يكون الرجوع إلى الأصل فيها مشروطاً بالفحص، بل يجوز الرجوع إليها و لو قبل الفحص، لأطلاق أدلتها و عدم جريان الوجوه التي ذكرت لوجوب الفحص في الشبهات الحكمية ها هنا. مضافاً... (الخويي، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۵۹۰ و ۵۹۱)

لزوم تفصيل بين موضوعات

۱. شيخ انصاری:

مرحوم شيخ اعظم در شبهه موضوعيه تحريميه (الانصاری، فرائد الأصول، ج ۲، ص ۱۴۰) و همچنين در شبهه موضوعيه وجوبيه به استثنای برخی از موارد آن به عدم لزوم فحص معتقد است (الانصاری، الشيخ مرتضى، فرائد الأصول، ج ۲، ص ۴۴۲)

. کلام ایشان، درباره شرطیت فحص برخی موضوعات در اجرای برائت در شبهه موضوعيه وجوبيه به همراه ادله دیدگاه ایشان در فصل سوم نقل خواهد شد.

۲. امام خمینی:

و اما درباره شبهه موضوعيه [اگر خواستيم در مورد آن برائت عقلي جاری کنیم] قول حق این است که جاهل در نزد عقل و عقلاء و وجدان معذور نیست. پس اگر مولا به عبد خود دستور بدهد: (أكرم ضيفي) و عبد هم شک کند که آیا زید مهمان مولا است یا نیست؛ در صورتی که فحص ممکن باشد نمی تواند بدون بررسی و فحص در مورد مهمان بودن یا مهمان نبودن زید نسبت به تکریم او مساهله کند (و برائت جاری کند) مخصوصاً زمانی که رفع شبهه سهل و امر مشتبه دارای اهمیت باشد. (الخمینی، تهذیب الاصول، ج ۳، ۴۳۳)

از فرمایش امام خمینی ره این به دست می آید که اگر فحص ممکن باشد حق ندارد بدون آن برائت عقليه را در شبهه موضوعيه جاری کند. و اگر موضوع دارای اهمیت و فحص و بررسی نیز، سهل و آسان باشد در این صورت به طریق اولی اجرای برائت عقليه مشروط به فحص خواهد بود.

۳. آیت الله سبحانی:

با توجه به آنچه که بیان کردیم فحص حتی در موضوعات هم در صورتی که امر میسور و ممکن باشد و به سعی و تلاش نیاز نداشته باشد لازم است (السبحانی، المبسوط فی اصول الفقه، ج ۳، ص ۶۶۱)

ب: أدله

ادله عدم لزوم فحص

آیت الله خوئی:

چرا که ادله اصول عملیه در شبهات موضوعیه اطلاق دارد و هیچ یک از وجوهی که برای وجوب فحص در شبهات حکمیه گفته شد در این جا جاری نمی شود (خوئی، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۵۹۰)

ادله قول به تفصیل

۱. امام خمینی:

این که شنیده ای که مکلف در شبهه موضوعیه می تواند بدون فحص، برائت عقلیه جاری کند و اگر مخالف واقع بود چون جاهل به واقع بوده معذور است و عقاب او قبیح می باشد سخن بلاحجتی است و دلیلی ندارد. چرا که معذوریت جاهل در جایی است که جاهل او در معرض زوال نبوده و یا این که عبد در به دست آوردن اغراض مولا کوتاهی نکرده. [جاهل در این دو صورت معذور] است. بله! بعد از سعی و تلاش عبد برای تحصیل غرض مولا مجال برای اجرای قاعده قبح عقاب بلا بیان فراهم می شود و در صورت مخالفت با واقع معذور است.

بنابر این ملاک برای صحت عقوبت عبد عبارت از این است که قاعده کلی عقلی قبح عقاب بلا بیان قبل از فحص و بررسی جاری نمی شود (الإمام الخمينی، تهذیب الاصول، ج ۳، ۴۳۳)

۲. محقق سبحانی

آقای سبحانی در نقد دیدگاه مرحوم آیت الله برجردی می گوید؛ مراد از واژه بیان در عبارت قبح عقاب بلا بیان، مفهوم حجت است؛ یعنی اگر خداوند بدون حجت عبد خود را عقاب کند قبیح است. و حجت متشکل از صغری و کبری می باشد و احتجاج کردن با مجرد کبری و در حالی که صغری معلوم نیست صحیح نخواهد بود. با این بیان اگر در موضوع هم تردید کردیم در صورت میسور و ممکن بودن فحوص باید فحوص کنیم. اگر مکلف فحوص کند و باز هم از شبهه نجات نیابد می تواند برائت عقلیه را جاری کند. اما اگر بدون فحوص، در شبهه موضوعیه مرتکب حرام شد مولا در مقابل عبد خود حجت دارد و عقاب او در این صورت قبیح نیست (السبحانی، المبسوط فی أصول الفقه، ج ۳، ص ۶۶۱)

موصوف شواهدی از فتاوی اصحاب امامیه را می آورند برای این که در مواردی فحوص در شبهات موضوعیه نیاز است.

و لذلك افتی الأصحاب بلزوم الفحص فی بعض الشبهات الموضوعیه حتی أن الشیخ استثنی الموارد الثلاثة: الدماء و الأعراض و الأموال، كما أن الفقهاء أفتوا بوجوب الفحص فی موارد التالیة:

(۱) إذا شک فی مقدار المسافة هل هی مسافة شرعیة أو لا؟

(۲) إذا شک فی بلوغ الأموال الزکویة إلى حد النصاب

(۳) إذا شک فی زیادة الربح علی المؤمنة حتی یخمس

(۴) إذا شک فی مقدار الدین مع العلم بضبطه فی السجل

إلی غیر ذلك من الموارد التي یقف علیها المتتبع فی الفقه، فالأولی لزوم الفحص فی التمسک بالبرائة العقلیة فی الشبهات الحکمیة و الموضوعیه معاً إلى حد لا ینتهی إلى العسر و الحرج أو المشقة و ربما یظهر من بعض الروایات أن الأمر فی باب الطهارة و النجاسة سهل. (السبحانی، المبسوط فی أصول الفقه، ج ۳، ص ۶۶۱) (السبحانی، ارشاد العقول الی مباحث الاصول ج ۳،

ص ۶۳۸)

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن اثیر، **النهاية في غريب الحديث والاثير**، ناشر، مجم الملك فهد لطباعة المصحف الشريف لامدينة المنورة، بی تا.
- ابن كثير، **البداية والنهاية**، ناشر، دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والاعلان، چاپ اول، سال ١٤٢٤.
- ابن كثير، **تفسير القرآن**، ناشر، دار الكتب العلمية، بيروت، چاپ اول، ١٤١٩هـ.
- ابن منظور، **لسان العرب**، ناشر: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بيروت، چاپ سوم، سال ١٤١٤هـ.ق.
- ابن منظور، محمد بن مكرم، **لسان العرب**، مشخصات نشر: بيروت: دارصادر: داربيروت.
- ابن تيمية حراني، احمد بن عبدالحليم، **مجموعة الفتاوى**، ط دار الوفاء في مصر، ١٤٢١هـ)
- ابن عديم، عمر بن احمد، **بغية الطلب في تاريخ حلب**، ج٧، ص٣٠٣٣، ط دار الفكر، بيروت. ابو حامد محمد بن محمد غزالي، **احياء العلوم الدين**، ناشر، دارالمعرفة - بيروت.
- ابو جعفر طبري، **تاريخ الطبري**، ناشر، دار التراث - بيروت، چاپ دوم، سال، ١٣٧٨هـ
- أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: ٢٤١هـ **مسند الإمام أحمد بن حنبل**، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ١٤٢١هـ - ٢٠٠١م، ترقيم الكتاب موافق للمطبوع، وهو مذيّل بحواشي التحقيق كاملة
- ابو عبد الله محمد ابن عمر رازي، ملقب به فخر رازي، **التفسير الكبير**، ناشر، دار احياء التراث العربى، بيروت، چاپ سوم، سال ١٤٢٠.
- ابو مناقب شهاب الدين زنجاني، **تخريج الفروع على الاصول**، ناشر، مؤسسة رساله - بيروت، چاپ دوم، سال ١٣٩٨.
- احمد بن محمد قسطلاني، **رشاد السارى شرح صحيح بخارى**، ناشر: مطبوعات بزرگ الاميريه، مصر، چاپ: هفتم، ١٣٢٣ق.
- اسد الغابه، ابوالحسن، **عزالدين ابن الاثير**، ناشر، دارالفكر - بيروت، سال، ١٤٠٩هـ
- ابن حجر عسقلاني، **الاصابة في تمييز الصحابة**، ناشر، دارالكتب العلمية، - بيروت، چاپ اول، سال، ١٤١٥هـ.آ.
- اصفهانى، حسين بن محمد راغب، **مفردات ألفاظ القرآن**، دار العلم - الدار الشامية،، بيروت، چاپ اول، سال ١٤١٢هـ.ق.
- بدر الدين العيني، عمدة القارى، **شرح صحيح بخارى**، ناشر، دار احياء التراث العربى، بيروت، بی تا.

بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، المقنعة، ناشر، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۳ هـ.ق.

جزری، ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهاية في غريب الحديث و الأثر، ناشر: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، نوبت چاپ: اول، مکان چاپ: قم.
حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، الناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت، چاپ اول، سال ۱۴۱۱.

خطیب بغداد، احمد بن علی، الکفایة فی علم الروایة، شماره ۱۴۰.
خویی، المکاسب - مصباح الفقاهة، سید ابو القاسم موسوی، بی تا، بی جا.
زیبیدی، حنفی، محب الدین: تاج العروس من جواهر القاموس، واسطی، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، تاریخ نشر: ۱۴۱۴ هـ.ق، نوبت چاپ: اول، بیروت - لبنان
سعید بن حزم اندلسی، الفصل فی الملل و الأهواء و النحل، ناشر، مکتبة الخانجی، قاهره، بی تا.
سید رضی، نهج البلاغة، مؤسسه نهج البلاغه، قم، چاپ اول، سال ۱۴۱۴.
شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، الانتصار فی انفرادات الإمامیة، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۵ هـ.ق.
صاحب الجواهر، محمد حسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ناشر: دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم، سال ۱۴۰۴ هـ.ق.

صهیب عبد الجبار، المسند الموضوعی الجامع للکتب العشرة، بی جا، سال ۲۰۱۳.
عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ناشر، مرکز نشر اسراء، قم.
قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه، الهدایة فی الأصول و الفروع، در یک جلد، مؤسسه امام هادی علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ هـ.ق
کشف شبهات ورد مفتریان، شحاتة صقر، ناشر، مکتبة دار العلوم، مصر، بی تا.
کلینی، اصول کافی، مشخصات نشر: تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۲۱ق. = ۱۳۷۹.

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، عبدالکریم بهبهانی؛ مفهوم سب و لعن در قرآن کریم، نشر: قم: مجمع جهانی اهل بیت علیه السلام، ۱۳۹۳.
فخرالدین الطریحی؛ مجمع البحرین / تحقیق احمد الحسینی، مشخصات نشر: مرتضوی، تهران: ، ۱۳۷۵.

محمد العثیمین، فتاوی نور علی الدرب، بی تا، بی جا.
محمد بن احمد سرخسی، اصول السرخسی، ناشر، دارالمعرفة - بیروت، بی تا.

- محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ناشر، دار طوق النجاة، چاپ اول، سال ۱۴۲۲ هـ
- محمد بن حبان، صحیح ابن حبان، ناشر، مؤسسة الرسالة، بیروت، چاپ دوم، سال، ۱۴۱۴.
- محمد بن عبدالله شوکانی، نیل الاوطار، ناشر، دار الحديث، مصر، سال ۱۴۱۳.
- محمد بن عیسی ترمذی، سنن الترمذی، ناشر، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، مصر، چاپ دوم، سال، ۱۳۹۵ هـ
- محمد بن یعقوب الكلینی، الكافی، ناشر، دارالحديث، قم، چاپ اول، سال، ۱۳۸۷ ش.
- محمد صالح مازندرانی، شرح الكافی، ناشر، المكتبة السلامية، بی جا، بی تا.
- مرتضی انصاری، المكاسب المحرمة، ناشر: كنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، نوبت چاپ اول، قم، سال، ۱۴۱۵ هـ ق.
- مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ناشر، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- مغربی، ابو حنیفه، نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الإسلام، ۲ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، دوم، ۱۳۸۵ هـ ق.
- مودودی، ابوالاعلی، الخلافة والملك، ص ۱۰۵، ط الاولى، دار القلم، الكويت، ۱۳۹۸ هـ).
- نفحات الولاية، الشيخ ناصر، مكارم الشيرازي،.

